

## نامه ای به مأموران دارائی

یا

### خزانه داران ملت

خلاصه شماره های پیش

امام در نامه ای که به مأموران دارائی می نگارد پس از یاد آوری جهان واپسین و پادشاهی که برای مؤمنان مقرر است می فرماید: بنا بر این ، با مردم با انصاف رفتار کنید و داد آنها را حتی از خویشان بگیریید و در برابر حوائجشان صبر و حوصله بخرج دهید زیرا شما خزانه داران ملت و وکیلان امت و سفیران دولتید...

\* \* \*

درست است که در حکومت امام مأموران خطا کار به مجازات می رسند چنانچه خطاب به افسران و نظامیان می فرماید ... «هیچکس پیش من خوارتر و بی مقدارتر از آن نیست که راه کجی و انحراف پیش گیرد ، چنین کسی را من به اشد مجازات تنبیه نموده بهیچوجه مورد عفو قرار نخواهم داد» (۱) .

ولی در عین حال اگر حس و وظیفه شناسی در مأموران وجود نداشته باشد ، اگر مأموران دولت اعم از فرمانداران ، افسران ، کارمندان دارائی و احساس وظیفه نکنند ندای ایمان و وجدان را نشنیده از باطن خویش الهام نگیرند نه تنها قدمی به نفع مردم بر نخواهند داشت بلکه تسلط بمال و جان ملت بیشتر حرس و آزاد آنها را تحریک کرده به موجودات کثیفی تبدیل خواهند شد که زالو صفت جز مکیدن خون مردم هدفی نداشته باشند .  
ژان ژاک روسو درباره انسانی که وجدان خود را فراموش کرده و تنها به نیروی عقل می بالد

۱- نهج البلاغه نامه ۴۸ شرح و ترجمه این نامه در شماره های ۱۱۳ و ۱۱۵ از لحاظ خوانندگان گذشت .

میگوید :

دعقل است که خود پسندی را بوجود میآورد ، و فکر و اندیشه آنرا تقویت می کند ، عقل انسان را بخود میآورد و از هر چه که باعث زحمت و ناراحتی اوست اورادور می سازد فلسفه هم این نظریه را تأیید می کند (۱) و بزبان حال میگوید : هر که میخواهد بمیرد؛ من در راحتی بسر می برم هیچ خطر بزرگ اجتماعی نمیتواند آسایش مردعقل را بهم بزند ، با عقل خود همه را مهار می کند ، دشمن را سر می برد و بادلیل و برهان خود را تبرئه می کند این است صفت يك انسان اجتماعی که با عقل و تدبیر پایه ای از احلام و کامرانها برای خود ساخته است (۲)

از این جهت امام در انتخاب مأموران فوق العاده سخت گیر است ، و حاضر نیست آنهایی را که در حکومت بیدادگر پیشین مصدر کار بوده اند و به ایمان و درستی آنها اعتقاد ندارد در پست خود باقی بگذارد ، و از این رو است که در عزل معاویه همامی کوشد . امام عقیده دارد مأمور باید از درون خویش الهام بگیرد و ایمان باطنی او راهنمای وی باشد . با مردم با انصاف رفتار کند و دامت را از خویش و بیگانه بگیرد و قانون عدل و انصاف را در باره خود رعایت کند . از این جهت پس از یادآوری معاد و پاداش و جزا بلافاصله نتیجه گیری نموده میفرماید : فانصفوا للناس من انفسکم واصبروا الحوائجهم ... بنابراین شما که ایمان دارید ، شما که عقیده به بهشت و نعمتهای جاویدانش دارید ، داد مردم را بدهید و در برابر نیازمندیهای ایشان با صبر و حوصله رفتار کنید .

#### مأموران دارائی یا خزانه داران ملت

در حکومت اسلامی مالیات گرفته میشود ولی هیچگاه این مالیات صرف خوشگذرانی کارمندان و تجمل پرستی اولیاء دولت نمی شود . بلکه مأموران دارائی خزانه داران ملتند مالیاتها باید صرف عمران و آبادی مملکت گردد و در نتیجه بر ثروت عمومی ملت افزوده شود ، در این صورت مالیات همچون مالی است که در موزه نگهداری می شود و اعتبار و پشتوانه حیثیت ملت محسوب می گردد .

پرداخت این مالیات بر کرده ملت سنگینی نمی کند ، باسانی می بردازند و از نتایج آن بهره می برند ، زیرا پولی که داده اند صرف تأمین آزادی ، استقلال ، امنیت ، بهداشت ، راهسازی و سایر مایحتاج اجتماعی خود شان گردیده است و باین ترتیب پولی که پرداخته اند

۱- منظور روسو از فلسفه همان فلسفه مادی است چنانچه مراد او از عقل هم ، همان عقل شیطانی است که در روایات از آن به شیطنت و نکراء تعبیر شده است و الاعتقل صحیح آنست که راهنمای انسان به سوی خیر و سعادت گردد . (العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان) .

(۲) قرارداد اجتماعی ص ۱۹۶

گویا دوباره بدست خودشان رسیده است .

روسو در این باره می گوید و باید دانست که سنگینی مالیاتها مربوط به مبلغ آن نیست بلکه باید راهی را در نظر گرفت که مالیاتها دوباره بدست صاحبش برگردد ، وقتی این نقل و انتقال سریع و مرتب باشد یعنی هنگامیکه مالیات پرداخت شده با سرعت و نظم درست ، دو مرتبه بدست پرداخت کننده رسید پرداخت آن زیاد کمر شکن نیست و مردم همیشه ثروت را در اختیار دارند و امور مالی مسیر خود را طی می کنند و بر عکس مالیات کمی را که ملت می پردازد وقتی که این مقدار کم بدست صاحبش نرسید از پرداخت آن عاجز میماند ، وقتی ملت گدا باشد دولت هرگز ثروت مند نمی شود (۱)

در صدر اسلام وضع مالیات و طرز وصول و مصرف آن نسبت بدنیای آنروز و بلکه امروز بسیار عادلانه بوده است بطوریکه بسیاری از متفکران و جامعه شناسان غرب یکی از عوامل پیشرفت مسلمین و فتوحاتشان را وجود مالیاتهای عادلانه آنها دانسته اند و منتسکیو می نویسد : «وجود این باجهای گزاف (در کشورهای غیر اسلامی) بود که سهولت عجیبی را بمسلمین در فتوحات خود اعطاء نمود زیرا ملت‌های تسخیر شده از طرف اعراب میدیدند بجای یک سلسله تعدیاتی که در اثر ثنات امپراطوران بآنها می شد بایک مالیات ساده که سهولت میدهند و سهولت گرفته میشود مواجه و تابع شده اند این بود که فتوحات مسلمین با کمال آسانی پیش میرفت و ملتها خوشبخت تر بودند و ترجیح میدادند بیک ملت صحرائشین مطیع بشوند تا بیک حکومت فاسد که در آن حکومت از تمام معایب و از تمام وحشتها و دهشت‌های بندگی و نبودن آزادی در عذاب بودند ، در مورد اخذ باجهای گزاف افراط نزدیک بجنون را در تاریخ مشاهده کنید «آناستاز» مالیاتی برای استنشاق هوا وضع کرده بود (۲) نه تنها دنیادر آن زمان گرفتار تعدی دولتها در امر مالیات و نابسامانی امور مالی بودند بلکه بتصریح «منتسکیو» وضع فرانسه در زمان تالیف روح القوانین (۳) نیز چنین بوده است او می نویسد : برای ما (ملت فرانسه) محال است که هرگز قاعده‌ای در مالیه خود داشته باشیم ، زیرا ما همیشه می بینیم که بیک کاری می کنیم اما هرگز نمی دانیم چه کاری می کنیم نزد ما وزیر بزرگ کسی را نمیگویند که درآمد عمومی را عاقلانه تقسیم کند بلکه کسی را میگویند که زرنگ باشد و راه چاره را بتدبیر و حیلله خوب پیدا کند .

سپس مترجم کتاب روح القوانین در پاورقی همین قسمت می نگارد: مونتسکیو از اغتشاش و طرز اداره امور کشور فرانسه در دو قرن پیش بواسطه هوسرانیهای زمامداران و وزراء که هر دم

۱ - قرارداد اجتماعی ص ۸۳

۲ - روح القوانین ص ۲۲۵

۳ - تقریباً ۱۷۳۰

نقشه تازه‌ای طرح می‌کرده‌اند و اشخاص زرنگ آنهائی بوده‌اند که قضایا را با تدبیر و حیل حل می‌کرده‌اند و هیچکس نمیدانسته چه می‌کنند! انتقاد کرده است این جریان چقدر شباهت با وضع فعلی کشور ما دارد زیرا می‌بینیم درست اوضاع ما این چنین است زمامداران هر دم طرح نوی میریزند، سازمان تازه ای میدهند، و بلافاصله تغییری می‌کند هیچکس نمیداند چه کار می‌کند مالیات بیهوده مصرف می‌شود احتیاجات حقیقی را در نظر نمی‌گیرند، اصول اداره کشور با سیستم نامه‌نگاری و سلب مسئولیت و باری بهر جهت پیش میرود. در جامعه امری مالقب زرنگ به کسانی اعطاء می‌شود که بتوانند خوب قضایا را واژگون نموده بدراخوب جلوه بدهند و مفاسد و معایب اجتماعی را پرده پوشی نموده ماست مالی کنند (۱).

### نظام مالی در حکومت امام

امیدواریم بخواست خداوند در شرح نامه سیاسی امام (ع) به مالک اشتر که بزرگ ترین منشور جهانداری و آئین سیاستمداری است به تفصیل درباره نظام مالی حکومت امام بحث کنیم، در اینجا تنها به دو نکته در باب مالیات که در این نامه آمده است اشاره می‌کنیم:

۱ - در حکومت اسلامی مالیات بایستی تنها به مصرفی برسد که برای ملت مفید باشد و ذخیره و پس اندازی برای آنها محسوب گردد و بتوان مأموران مالیات را خزانه داران ملت نامید فانکم خزان الرعیة و وکلاء الامة و سفراء الائمة براستی که شما خزانه داران رعیت و کیلان امت و سفیران دولتید. طبیعی است که در این صورت مأمورانی که خود را خزانه دار ملت و وکیل مردمی دانند هر قدر می‌بردارند رعایت مصلحت و خیر مردم را نموده قطعاً مانع خواسته های طبیعی و مشروع آنها نخواهند بود **ولا تجسموا احداً عن حاجته ولا تجسوه عن طلبته**.

### توقیف اموال و وقوف!

۲ - مالیات بایستی بصورت آسانی از مردم گرفته شود نباید کسی بخاطر اداء مالیات در فشار اقتصادی قرار گیرد اموال مردم نباید باین جهت مصادره و توقیف گردد.

**ولا تبیعن للخراج کسوة شتاء و لاصیف و لادابة یعملون علیها و لاعبداء** بخاطر اخذ مالیات پوشاک تابستانی و زمستانی مردم را نفر و شید، اسب و استرومر کب و حتی غلامان آنها را نگیرید. کسی را بخاطر اخذ مالیات تازیانه نز نید اموال هیچکس را اعم از مسلمان و غیر مسلمانی که در پناه اسلام بسر میبرد بخاطر پرداخت مالیات توقیف نکنید بلکه هیچ گونه تماس و بر خورد پولی و مالی اعم از مصادره و رشوه و هدیه با مردم نداشته باشید **ولا تمن مال احد من الناس هلی ولا معاهد**

### تنهادر یکصورت!

آری امام (ع) میفرماید اموال شخصی مردم محترم است و شما مأموران حق ندارید اموال

کسی را مصادره کنید مگر آنکه آن مال از عبارت از اسلحه‌ای باشد که بِنفع بیگانگان علیه مسلمانان جمع آوری شده باشد که در این صورت با مصادره این اموال نباید اجازه داد که بر شوکت بیگانگان افزوده شده و مسلمانان را در مخاطره قرار دهند الا آن تجد و افرسا و سلاحی بعدی به علی اهل الاسلام .

از ناصحان رخ هپوشانید !

ماموران دارائی و افسران ارتش اسلام انسانند و از افراد و آحاد ملت، آنها نیز در اثر تماس بیشتر با پول و قدرت ممکن است آئینه قلبشان تیره و تار شود، خدا را فراموش نمایند، خود را تافته‌ای جدا بافته از ملت خیال کنند بعمد یا اشتباه بر خلاف مصالح مردم قدمی بردارند در این صورت احتیاج به نصیحت ناصحان خیر اندیش و پند و اندرزهای سودمند دارند تا آئینه دل صفا یابد و زنگ گناه زوده شود آنها نباید روپوشانند و به بهانه کمی فرصت و نداشتن مجال از مجالس و عطا و نصیحت رو بگردانند . ولا تدخر و انفسکم نصیحة

خوش رفتاری با سر بازان

باسر بازان و ماموران زیر دست خود بایستی خوش رفتاری و حسن سلوک داشته باشند تا آنها نیز بادل گرمی بکار خود مشغول باشند و هیچگاه ب فکر خیانت و سرپیچی از مقررات نیفتند  
والاجند حسن السیره  
یاوران ملت

از همه مهمتر ماموران باید بدانند که در هر حال آنها یار و یاور ملت و قوت و نیروی دین و قانون خدا هستند بخاطر ملت و رعایت مردم ، قانون خدا را نقض نکنند و بنام رعایت مقررات حقوق ملت را فراموش نسازند و لاالرعیة معونة ولادین الله قوۃ

و در راه خدا از هیچگونه فداکاری لازم خودداری نکنند زیرا خدای بزرگ کمال لطف و مهر بانی را با بشر می‌ذول داشته و بر ما فرض است که با تمام قوا او را سپاسگزار باشیم و دین او را با تمام نیرویاری کنیم و بدانیم که هیچ نیروئی جز = نیروی خداوندی نیست فان الله سبحانه قد اصطنع عندنا و عندکم ان نشکره بجهدنا و ان ننصره بما بلغت قوتنا و لا قوۃ الا بالله .

پیامبر اگر م فرمود :

مامن بیت لیس فیہ شیء من الحکمة الاکان خرابا

خانه‌ای که از علم و دانش بی بهره باشد ویرانه‌ای بیش

نیست .

تفسیر مجمع البیان ج ۱ ص ۳۸۲